

اهداف حج



لیبیب بیضون / مصطفی پاینده

دیگرش، نجات انسان‌ها از شرارت‌های اجتماعی است؛ چرا که مفسد و گناهان انسان، معمولاً در تماس با جامعه صورت می‌پذیرد.

زکات، که فلسفه‌اش تزکیه نفس از مال پرستی است، کاربرد و قلمروش تنها در اجتماع است و نوعی تأمین معیشت ضروری، برای مستمندان جامعه به حساب می‌آید تا آنان زندگی آسوده‌ای داشته باشند.

روزه، که تمرین سالانه‌ای است برای تحصیل تقوای فردی و پای‌بندی به تکالیف واجب و مراقبت دقیق انسان بر اعمال خود، در عین حال انسان روزه‌دار محرومیت فقرا و مستمندان و احتیاج

اهداف فردی و اجتماعی عبادات

اسلام، «فرد صالح» را هسته‌ای برای تشکیل «جامعه صالح» می‌داند و این بدان معنا است که هدف نهایی اسلام، جامعه است نه فرد. پس اگر منافع فردی با مصالح اجتماعی برخورد و تزاخم پیدا کند، مصالح جامعه بر منافع فرد مقدم می‌شود.

از این رو است که عبادت‌های فردی را منحصر در اصلاح شخص نمی‌دانیم بلکه هدف اصلی از عبادت، برپایی «جامعه صالح» است.

نماز، که غرض از اقامه آن، پاکسازی روح انسان از آلودگی‌ها و بازداري او از فساد و گناه است، راز

کارهایش آزاد است؛ زیرا آدمی در زندگی از دیگران تأثیر می‌پذیرد و نمی‌تواند از جامعه جدا باشد.

پیامبر ﷺ این حقیقت را در حدیثی، به صورت زیبا مجسم کرده، می‌فرماید:

«مثل آنان که به حدود خدا پای‌بند هستند و از میانشان یکی سرپیچی می‌کند، به گروهی می‌ماند که در کشتی، برای انتخاب جای خود قرعه می‌زنند، بعضی از آنان در قسمت بالای کشتی جای می‌گیرند و برخی دیگر در قسمت پایین. آنان که در قسمت پایین کشتی نشسته‌اند، به هنگام نیاز به آب، نزد افراد بالای کشتی می‌روند.

حال اگر کشتی سواران، بگویند: ما برای دستیابی به آب، قسمت پایین کشتی را سوراخ می‌کنیم و افراد دیگر را آزار نمی‌رسانیم افراد استقرار یافته در قسمت بالای کشتی، جلوی آنان را بگیرند و در سوراخ کردن کشتی آنان را به حال خود رها کنند، به یقین تمام افراد کشتی هلاک می‌شوند و اگر آنان را از این کار باز دارند، هم خود و هم آنان نجات می‌یابند.»

با توجه به چنین نمونه‌هایی، درمی‌یابیم که مناسک حج نیز دارای

آنان به نیازهای ضروری همانند غذا و پوشاک و ... را احساس می‌کند. بنابراین هدف اجتماعی روزه، شریک شدن روزه‌داران، در دردها و گرفتاری‌های محرومان و درماندگان جامعه است.

امر به معروف و نهی از منکر، از عبادت‌هایی است که هدف اجتماعی آن، روشن است و انسان مسلمان هر انحرافی را که در جامعه ببیند، باید آن را اصلاح کند تا جامعه سالم بماند و از آنجا که مصالح فردی از مصالح اجتماعی جدایی‌ناپذیر است، ثمرات اصلاح جامعه، به صورت غیر مستقیم، به خود افراد برمی‌گردد و از همین جا، یکسانی جامعه و فرد در صلاح و فساد روشن می‌شود و هر آنچه در فردی از جامعه پدید می‌آید، بر دیگر افراد جامعه هم، اثر می‌گذارد.

به همین معنا اشاره دارد سخن پیامبر بزرگ خدا ﷺ که فرمود:

«مؤمنان در روابط دوستانه و مهربانی و عواطف، همانند یک پیکرند که اگر عضوی از آن به درد آید، تمام اعضا، احساس درد و رنج می‌کنند.»

بنابراین، هیچکس نباید جدا از دیگران زندگی کند و تصور نماید که در

کَهکشان را تشکیل می‌دهند و آن کَهکشان اسلام است و یا مثل الکترون‌های یک اتم می‌باشند که در پیدایش و هستی شبیه یکدیگرند و جز، در مقدار فاصله خود از هسته مرکزی، تفاوتی ندارند.

آری، مفاهیم حقیقی اسلام در اجتماع بی‌نظیر طواف کنندگان، تجسم پیدا می‌کند؛ چرا که همگان زیورهای دنیا را دور می‌ریزند تا به زینت دین آراسته شوند و در این موج خروشان فرقی میان سفید و سیاه، فقیر و غنی، رئیس و مرؤس و عرب و عجم نیست. پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید:

«عرب را بر غیر عرب، سفید را بر سیاه و آزاد را بر برده، جز در تقوا، برتری نیست.»

اگر اسلام در مناسک حج این گونه بر خود سازی و پاکی از آلودگی و اصلاح فرد اصرار می‌ورزد، روشن است که هدف دیگرش باید اصلاح جامعه اسلامی از دردها و ناملازمات اجتماعی و نجات آن از گرفتاری‌ها و خطرات باشد.

باید گفت که موسم حج بهترین

مقاصد فردی و اجتماعی است و مانند دیگر عبادات، دارای ابعاد گوناگون می‌باشد و از آنجا که فریضه حج، با شرکت انبوهی از مردم و اجتماع بزرگی از انسان‌ها انجام می‌گیرد و هر یک از حاجیان از سرزمینی خاص و با فرهنگ و ملیتی ویژه می‌باشند، طبیعی است منافع و اهداف اجتماعی آن بیشتر خواهد بود.

و اگر مفهوم و هدف نهایی حج را بنگریم، خواهیم یافت که غرض از انجام آن، تصفیه و پاکسازی نفوس آدمیان از آلودگی‌های گناه و زشتی است؛ چرا که حاجیان به عنوان میهمانان خدا، به خانه او وارد می‌شوند و خداوند، با آمرزش گناهان آنان، از آنان پذیرایی می‌کند و نیز طواف حاجیان بر گرد کعبه خدا، رمز آزادی نفوس آنان از یوغ و سلطه شیطان بوده و تنها پیوند آنان را، با اساس اسلام و قبله آن استوار می‌سازد.

در عین حال، طواف انبوه مسلمانان برگرد خانه خدا، افزون بر خودسازی و تربیت فردی، به اجتماع مسلمانان نیز جهت توحیدی می‌بخشد؛ زیرا طواف کنندگان در پیرامون یک محور (کعبه)، با رنگ‌ها و نژادهای گوناگون، همانند ستاره‌های آسمان است که منظومه یک

پیامبر خدا ﷺ و سیره او تمسک می‌جوییم؛ مگر نه این است که آن حضرت از موسم حج استفاده می‌کرد و مسلمانان را، جهت حفظ کیان و سلامت اجتماعی خود، راهنمایی و ارشاد می‌نمود و از نمونه‌های بارز آن، خطبه مشهور آن حضرت در حجة الوداع است که در آن مسلمانان را از ارتکاب بعضی امور و کارهای تضعیف‌کننده کیان اسلام، بر حذر داشتند؛ از جمله، هشدار دادند که مسلمانان به جان یکدیگر نیفتند و آتش تعصبات قبیله‌گی گذشته را با انتقام‌جویی، شعله‌ور نسازند.

و در همین خطبه فرمودند:

«خون و مال شما، همیشه و تا دم مرگ محترم است؛ همان گونه که امروز و در این ماه حرام و در این شهر امن، محترم می‌باشد.

خدایا! تو شاهد باش من حق را بیان کردم. نزد هر کس امانتی هست به صاحبش برگرداند و اکنون اعلام می‌کنم که رباخواری، خونها و تمامی رسوم دوران جاهلیت بی‌ارزش است و آنها را زیر پا می‌گذارم. ای مردم تمام مؤمنان، با یکدیگر برادرند و برای هیچ شخصی، مال برادرش، جز با رضایت

فرصت برای اجتماع مسلمانان در یک همایش بزرگ است تا با یکدیگر همفکری کنند و در حل مشکلات جهان اسلام بکوشند و طرح‌های استواری را جهت دفع خطرهای بی‌شمار، از جوامع اسلامی تصویب کنند.

سخن کوتاه این که: حج یک اجتماع صمیمانه و برادرانه در پناه خدا است و برگرد سفره مهمانی خدا و هدفش بررسی امور و مشکلات امت اسلام است.

خداوند متعال در سوره حج می‌فرماید:

«در میان مردم با بانگ بلند، آنان را به حج دعوت کن تا آنان پیاده و سواره، بر اشتران لاغر، از هر سو و دره دوری بیایند و شاهد منافع و فواید بسیار باشند!»^۱

آیا برای مسلمانان نفعی بالاتر از این که منافع و زیان‌های خود را مطالعه کنند و به آنچه که بر ایشان سودمند است عمل کنند و اموری را که زیان‌بخش است از خود دور سازند.

بررسی مشکلات جهان اسلام در مراسم حج، بدعت نیست و ما هم نوآور و بدعت‌گذار نیستیم، بلکه به عمل



چگونه است که برخی در دامان استعمارگران کافر زندگی می‌کنند و دنباله‌رو آنان هستند و از آنان نیرو می‌گیرند، آنگاه ادعای مسلمانی کرده و خود را بندهٔ خدای صاحب شریعت می‌دانند!

خداوند متعال می‌فرماید:

«آیا تو را خبر دهم از کسی که بندهٔ خدا را از نماز نهی می‌نمود؟»^۲

وای بر چنین مدعیان مسلمانی که دیگران را از هرگونه عبادتی برای خدا نهی می‌کنند! چگونه برای برخی مسلمین رواست که مسلمانان راستین را، در خانهٔ خدا و پناهگاه امن مردم، از هرگونه پرستشی برای خدا باز می‌دارند؟!

«با این‌که از آنان کینه‌ای، جز ایمانشان به خدای عزیز ندارند.»^۳

آری حج، بهترین فرصت و بزرگترین بازار برای کسب تقوا و تقرب به خدا است و هر کس مسلمانان را از تحصیل چنین فضیلت و حقی منع کند، مخالف حقیقت اسلام است.

لازم است هر مسلمانی از هر نژاد و رنگی، توجه داشته باشد که اعمال حج یک دوره تمرین خودسازی است که در

حلال نیست. خدایا! شاهد باش. (مردم!) آگاه باشید بعد از من به کفر برنگردید و در نتیجه برخی از شما بعضی دیگر را گردن بزنید. من در میان شما چیزی را به امانت گذاشتم که اگر بدان چنگ زنید گمراه خواهید شد، و آن کتاب پروردگار شما می‌باشد.»

حج و اخلاص در عبادت

اکنون باید در حقیقت آنچه از حج برای ما سودمند است، بنگریم که آیا حقیقت آن را می‌فهمیم؟!

حج، عبادت خالص برای خدای یگانه است و ما در این موسم ابلیس را طرد می‌کنیم، ولی باز هم در برابر او زانو می‌زنیم و به دامش می‌افتیم.

حج عبادتی با معنی و هدف است. برخی بر حج، آن‌گونه جمود می‌کنند و تحجر فکری روا می‌دارند، که آن را یک کالبد بدون جان و آدابی بدون محتوا قلمداد می‌کنند. اینان در رابطه با نماز نیز این‌گونه‌اند در حالی که؛ اگر نماز صرف حرکات و سکانات بدون روح باشد، دیگر در حقیقت خود، معنای رهایی از هرگونه بندگی برای غیر خدا را در بر ندارد.

کرد، نه از قدرت شرق ترسید و نه از نیروی غرب. و از آنجا که خداوند از آنان صداقت و اخلاص دید، پیروزی شان عطا کرد. آری، آنان پیروز شدند، با این که تمام قوای کفر و اشرار عرب و یهود بر ضدشان هم‌صدا گشته بودند، و حتی اتحاد نیروهای کفر، جز بر ایمان و تسلیم مؤمنان در برابر خدا نیفزود.

این است صفت حقیقی مؤمنان که تنها به خدا توجه دارند، تنها به او توکل می‌کنند و تنها از او مدد می‌گیرند. با چنین ایمانی، اجداد ما جهان را فتح کردند و عزیز گشتند و با فقدان آن، کافران مستکبر، کشورهای ما را استعمار کردند و ما ذلیل گشتیم.

فیلسوف بزرگ، دکتر محمد اقبال اشعاری را سروده که جادارد ترجمه آنها را در اینجا بیاوریم:

«ما، سینه خود را در مقابل شمشیرها سپر نموده‌ایم.
ما، از روز جنگِ سهمگین و جابرانه نمی‌ترسیم.
گویا، سایه شمشیر سایه بوسستان است.

بوسستان سبزی که پیرامون ما شکوفه‌ها می‌رویانند.

آن، هر فرد یا اجتماعی از حاجیان باید از هر گونه ذلت و کرنش برای غیر خدا آزاد شوند و هنگامی که به وطنشان باز می‌گردند، جهت آزاد نمودن جامعه خود از هر گونه بردگی و استعمار دولت‌های غیر مسلمان به ویژه دولت‌های معاند و دشمن اسلام، تلاش کنند.

حج، برای ما و ایمان و یقین ما به آفریدگار هستی؛ آفریدگار نور و تمام موجودات؛ که از هر شخصی و دولت بزرگی بالاتر است؛ آزمایش و امتحان است.

خدای سبحان در سوره نور می‌فرماید: «خداوند نور آسمان‌ها و زمین است، مثل نور خدا...»^۴

ما باید از پروردگار یگانه خود، تصمیم و عزت بخواهیم و در پرتو دین، نیرو و هدایت کسب کنیم و به یاد آوریم که قدرت اسلام، از نیروی اتحاد و همکاری ما سرچشمه می‌گیرد؛ آنگونه که دست در دست یکدیگر، مشتی بر ضد دشمنان اسلام گردیم و برای خود عزت و خوشبختی اسلام را، و نه زندگی با ذلت و تسلیم، به ارمغان بیاوریم.

پیامبر گرامی ﷺ، هنگامی که دعوت خود را با گروهی از مؤمنان راستین آغاز



ما، از طاغوت‌های محارب، نهراسیدیم.
 گرچه در اطراف ما، مرگ از جنازه‌ها
 پشته‌ها می‌ساخت.
 ما، آشکارا به خدای یگانه دعوت
 می‌کردیم،
 که جهان را آفرید و هر چیزی را به
 اندازه قرار داد.»

ما، کوه‌هایی بر فراز کوه‌ها بودیم.
 و چه بسا بر امواج دریاها، دریاها را
 به حرکت درآوردیم.
 اذان ما، بر فراز دیرها و کلیساهای
 فرنگ بود.
 و قبل از رسیدن سپاهیان اسلام،
 شهرها را فتح نمود.

● پی‌نوشتها:

- ۱- حج: ۲۸-۲۷
- ۲- علق: ۱۰-۹
- ۳- بروج: ۸
- ۴- نور: ۳۵

